

## حق حریم خصوصی کودکان در حقوق موضوعه ایران و کنوانسیون حقوق کودک

مهرویه شجاع سنگچولی<sup>۱</sup>

\* تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۸/۱۱ / تاریخ پذیرش ۱۳۹۹/۰۹/۲۰

### چکیده

حریم خصوصی افراد که همان حریمی می باشد که توقع می رود عرف و قانون به آن احترام بگذارد و در برابر ورود و تعرض سایر افراد مصون بماند، به عنوان یکی از حقوق کودکان در ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک مطرح شده است. این ماده دو گروه از افراد، والدین و اشخاص بیگانه را، با بیان عدم امکان دخالت خودسرانه و یا غیر قانونی در حریم خصوصی کودک منع نموده است. در قانون داخلی کشورمان تعریف معینی درباره حریم خصوصی افراد وجود ندارد و قانون اساسی تنها به ذکر مصادیقی از آن بسنده نموده است و در مصوبات حقوق کودکان، قانونگذار مصادیق حریم خصوصی کودکان را تنها در جایی که عنصر قانونی دخیل باشد مورد توجه قرار داده است و درباره میزان نفوذ والدین در این فضا هیچ حدی را معین ننموده است. عده ای بر این عقیده هستند که قائل شدن حریم خصوصی برای کودکان امر تربیت آنها را دچار معضل می کند که در پاسخ می توان به لفظ «حفظ منافع عالیه کودک» در ذیل ماده ۳ کنوانسیون مزبور استناد نمود و تربیت را در دسته «منافع عالیه کودک» قرار داد. در نتیجه در جایی که حفظ حریم خصوصی کودک با تربیت او در تعارض قرار گیرد، تربیت ارجح بوده و رعایت حریم مزبور الزامی نمی باشد و امکان ورود به این محیط بدون منع قانونی میسر است. قانونگذار با ارائه تعریف جامع برای حریم خصوصی کودکان و جرم انگاری علیه متعرضین به این حریم، حتی والدین می تواند در برابر تعرضات آشکاری که به دلیل محو بودن این چارچوب شخصی به وقوع می پیوندد بایستد.

**واژگان کلیدی:** کودکان، حریم خصوصی، کنوانسیون حقوق کودک، تربیت و تنبیه.

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج. (نویسنده مسئول)  
sangchooly.mahrooyeh@gmail.com

## مقدمه

حریم خصوصی افراد که در چارچوبی معین جهت مصونیت از تعرض‌ها و آزار افراد بیگانه واقع شده است به عنوان حق مسلم انسانی به افراد اختصاص داده می‌شود تا بتوانند از این طریق امور خصوصی، خانوادگی، هویت و مکاتبات خود را حفظ کنند. عنوان حریم خصوصی در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی بسیاری از کشورها به طور صریح معین شده است. کنوانسیون حقوق کودک هم که به عنوان سندی جامع در زمینه حقوق کودکان تدوین گشت، در ماده ۱۶ خود با بیان عدم امکان ورود به حریم خصوصی، خانوادگی و مکاتبات کودک، امکان دخالت در این فضا را ممنوع دانسته است. کشورمان ایران که در سال ۱۳۷۲ به موجب «قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک» و با تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان، مشروط بر عدم مغایرت مفاد کنوانسیون با قوانین داخلی و موازین شرعی، به آن ملحق گردید، به استناد ماده ۹ قانون مدنی و اصل ۷۷ قانون اساسی دادگاه‌ها را ملزم به رعایت حریم خصوصی کودکان دانسته اما تاکنون تعریف جامعی از حریم خصوصی، حتی در بزرگسالان ارائه نشده است و قائل شدن و تعبیه حق بر حریم خصوصی برای کودکان در کنوانسیون حقوق کودک و عدم تصریح آن در حقوق داخلی ما را با چالش‌های زیادی در این زمینه رو به رو می‌سازد.

لذا در وهله اول با ذکر تعاریفی از واژگان حریم خصوصی و کودک، و پس از آن با بررسی حریم خصوصی کودکان در ایران و کنوانسیون حقوق کودک در صدد تحلیل تعارض حفظ حریم مزبور و تربیت کودک و همچنین چرایی لزوم حفظ این محیط خواهیم بود.

## ۱- مفاهیم

## ۱-۱- حریم خصوصی

حریم خصوصی در اصطلاح به معنای آن است که یک فرد یا گروه بتواند خود یا اطلاعات مربوط به خود را مجزا کند و در نتیجه بتواند خود یا اطلاعاتش را با انتخاب خویش در برابر دیگران آشکار سازد یا به عبارتی حریم خصوصی افراد همان حریمی می‌باشد که عرفاً و قانوناً انتظار می‌رود افراد دیگر بدون رضایت به آن وارد نشوند و کنترلی بر آن نداشته باشند. برخی نویسندگان حریم خصوصی افراد را مربوط به حق زندگی، حق مصونیت اموال، حق آزادی رفت و آمد، اختیار مسکن و حق زندگی خصوصی می‌دانند.

در حقوق موضوعه کشورمان عنوان «حریم خصوصی» در زمره موضوعاتی است که در چند سال اخیر از جهات مختلف مورد توجه قرار گرفته است و ابعاد مختلفی برای آن تبیین گردیده است. پس از آنکه پیش نویس «لایحه جامع شفافیت» توسط مرکز بررسی‌های استراتژیک و معاونت حقوقی ریاست جمهوری تدوین شد و در مسیر تصویب قرار گرفت، مجدداً موضوع حریم خصوصی و بالأخص تعریف آن (با توجه به ابهامات موجود در خصوص این اصطلاح) مورد توجه واقع گشت. در بند ۱ ماده ۲ لایحه مزبور در تعریف حریم خصوصی آمده بود: «قلمرویی از زندگی هر شخص است که آن شخص یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون، انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا بر آن نگاه یا نظارت نکنند و یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته یا در آن قلمرو وی را مورد تعرض قرار ندهند. جسم، البسه و اشیای همراه افراد، اماکن خصوصی و منازل، محل‌های کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی با دیگران حریم خصوصی محسوب می‌شوند». متأسفانه در کشور ما در هیچ یک از قوانین به طور اخص تعریفی درباره حریم خصوصی وجود ندارد و در حال حاضر تنها مصوبه موجود در خصوص تعریف «حریم خصوصی»، بند «پ» ماده ۱ آئین‌نامه اجرایی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۹۳ می باشد که به موجب این مصوبه: «حریم خصوصی قلمرویی از زندگی شخصی فرد است که انتظار دارد دیگران بدون رضایت یا اعلام قبلی وی یا به حکم قانون یا مراجع قضائی آن را نقض نکنند؛ از قبیل حریم جسمانی، وارد شدن، نظاره کردن، شنود و دسترسی اطلاعات فرد از طریق رایانه، تلفن همراه، نامه، منزل مسکونی، خودرو و آن قسمت از مکان‌های اجاره شده خصوصی نظیر هتل و کشتی، همچنین آنچه که حسب قانون فعالیت حرفه‌ای خصوصی هر شخص حقیقی و حقوقی محسوب می‌شود؛ از قبیل اسناد تجاری و اختراعات و اکتشافات». البته که تعریف ارائه شده در بند ۵ ماده ۲ لایحه جامع شفافیت، مختصر شده و حریم خصوصی به قلمرویی از زندگی هر شخص که برابر عرف یا قانون، مصون از دسترسی دیگران است اطلاق شده است. (حجتی، ۱۳۹۸)

در اسناد بین‌المللی حریم خصوصی بخشی از امنیت و آزادی افراد است که در ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر به آن تصریح شده است. (Brownlie and Goodwin, 2006, 225) همچنین در سال ۱۹۷۷ میلادی در کنفرانس استکهلم به حریم خصوصی افراد اشاره شده است. در این سند حریم خصوصی را حق فرد دانسته اند که فرد هرگونه که بخواهد می‌تواند زندگی کند و مداخله در زندگی خصوصی و خانوادگی و داخلی فرد و افشای امور مربوط به زندگی شخصی، استفاده از اسم، هویت و عکس او، توقیف مخابرات، استفاده از مخابرات کتبی و شفاهی، افشای اطلاعاتی که از او کشف شده، حفظ اسرار شغلی و حرفه‌ای و غیره را خلاف امر می‌داند که این تعریف محدود به

زمان و مکان نشده است در حالی که حریم خصوصی حوزه یا مکان مشخص را در بر می گیرد. (اسدی، ۱۳۸۸، ۲)

با وجود تعاریف ارائه شده باید توجه داشت که «حریم خصوصی» یکی از مهم‌ترین حقوق فردی شهروندان است که در زمره حقوق بنیادین بشر قرار داشته و ارتباط بسیار نزدیکی با کرامت انسان‌ها دارد و به همین دلیل است که اسناد متعدد بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بر این امر و حفاظت از آن اشاره و تأکید نموده اند. در ماده ۸ کنوانسیون حقوق بشر اروپایی آمده است که: «هر کس حق دارد که حرمت زندگی خصوصی و خانوادگی، خانه و مکاتبات وی حفظ شود». از این رو حریم خصوصی را می توان به ۲ دسته فیزیکی (شامل محل سکونت و اقامتگاه) و اطلاعاتی - شخصی (شامل کلیه اطلاعات مربوط به فرد که امنیت جسمی و روحی را با در معرض نمایش واقع شدن به خطر می اندازد و نباید بدون اذن او منتشر شود) تقسیم نمود. (Mow Bray, 2007, 486)

#### ۲-۱- کودک

مهم ترین سندی که در زمینه حقوق کودکان تصویب شده است، کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ می باشد. کنوانسیون مزبور که در راستای شناساندن حقوق کودکان تصویب شد، در ماده ۱ خود کودک را چنین معرفی می نماید: «منظور از کودک افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال است مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود».

در حقوق موضوعه کشورمان هر چند در قوانین مختلف درباره آغاز دوره کودکی نظریات گوناگونی به چشم می خورد و برای پایان این دوره قانون مدنی رسیدن به حد بلوغ شرعی (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۲، ۷۹) و قانون مجازات اسلامی سن ۱۸ سال را (اسدی، ۱۳۸۶، ۵)، مطرح نموده اند، اما قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در ماده ۱ خود با تفکیک میان طفل (هر فرد که به سن بلوغ نرسیده) و نوجوان (هر فرد زیر ۱۸ سال که به سن بلوغ رسیده)، همه افراد زیر ۱۸ سال را همچون کنوانسیون حقوق کودک مورد حمایت های قانونی به طور خاص قرار داده است. در انتهای تعاریف مفاهیم فوق حریم خصوصی که از آن به «حق خلوت» نیز تعبیر شده است به کودکان هم به عنوان انسان جهت حفظ کرامت انسانی حمایت های قانونی اعطا می شود.

## ۲- حریم خصوصی کودکان

## ۲-۱- در حقوق موضوعه ایران

همان گونه که اشاره شد عنوان حریم خصوصی به طور کلی در ایران فاقد سابقه می باشد و تعاریف متعدد و موجود تا حدی ما را به چالش می کشانند، هرچند که با اندکی تفحص در باب حریم خصوصی می توان دریافت که قانونگذار تنها مصادیقی از این عنوان را مورد توجه قرار داده است، که با این عمل خود تا حدودی به حفظ سلامت و حریم خصوصی اطلاعات و ارتباطات کودک توجه نموده است.

در ابتدا قانونگذار در قانون اساسی مشروطیت در سال ۱۳۲۴ در سه اصل سیزدهم، بیست و دوم و بیست و سوم به ترتیب به حرمت خانه، مراسلات پستی و ممنوعیت افشا و توقیف تلگراف مورد توجه قرار داده است. پس از انقلاب اسلامی قانونگذار در قانون اساسی با ذکر مصادیقی از حریم خصوصی (اصل ۲۲ حریم خصوصی مسکن، ۲۳ حریم خصوصی عقاید و ۲۵ حریم خصوصی مکاتبات و مخابرات و...) حمایت های قانونی خود را از حریم خصوصی افراد اعلام نموده است. همچنین در قوانین «جرایم رایانه ای» مصوب ۱۳۸۸ در مواد ۱، ۲، ۱۶ و ۱۷ هم حمایت های قانونگذار در برابر شنود عمدی ارتباط خصوصی و پخش صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی و خانوادگی و همچنین انتشار تصاویر بدون رضایت افراد از طریق سیستم های رایانه ای که موجب ضرر یا هتک حیثیت شود، قابل پیگرد و مجازات دانسته شده است. در لایحه ی حمایت از اطفال و نوجوانان نیز مجدد به این مسأله پرداخته شده که هر کودکی که در معرض آسیب جسمی، روانی یا اخلاقی و وضعیت مخاطره آمیز است احتیاج به مداخله و حمایت قانونی دارد. جهت جلوگیری از اطاله بحث همین بس که در تمام مواد مذکور قانونگذار تعریف دقیقی درباره حریم خصوصی ندارد و تنها مصادیقی از این حق را مورد بحث قرار داده است.

اما گاهی در خصوص حریم خصوصی کودکان به گونه دیگری عمل کرده است و در قوانین مصوب حفظ سلامت حریم خصوصی اطلاعات و ارتباطات کودک را مورد توجه قرار داده است. در ماده ۲۱۱ قانون مجازات مصوب سال ۱۳۰۴، تشویق فرد زیر ۱۸ سال به فساد اخلاقی یا شهوت رانی، تسهیل این موارد یا تهیه وسیله ارتکاب اعمال منافی عفت برای او، و یا در ماده ۲۱۳ همان قانون، به تجارت و توزیع هر نوشته، طرح، نقاشی، تصاویر مطبوعاتی منافی عفت برای افراد زیر ۱۸ سال (کودکان) اشاره کرده بود.

در ماده ۳ قانون «نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت های غیر مجاز می نمایند» مصوب سال ۱۳۷۲ عوامل توزیع و تکثیر عمده آثار سمعی و بصری مستهجن را مستوجب حبس، جریمه و ضبط می داند که در تبصره ۳ همین ماده به حمایت خاص از کودکان می پردازد و استفاده از صغار برای نگهداری، نمایش، عرضه، فروش و تکثیر و ... را مستوجب حداکثر مجازات دانسته است. در لایحه تدوین شده توسط قوه قضائیه در سال ۱۳۸۷ درباره کودکان به مسأله کودک و حفظ سلامت حریم خصوصی کودکان به گونه ای توجه کرده است. در ماده ۹ این لایحه آمده است: «... برقراری ارتباط ناصحیح با کودک...» که شامل تحریک و ترغیب و یا فریب کودک و نوجوان به فرار از خانه یا مدرسه یا ترک تحصیل جرم می باشد. در ادامه در ماده ۱۳ همین لایحه آمده است: «عرضه، در اختیار گرفتن، وادار یا اجیر نمودن کودک و نوجوان برای فحشاء یا ترغیب، تشویق و یا فراهم نمودن موجبات فحشا حبس دارد». و در مواد ذیل:

ماده ۱۴ به برقراری عمل منافی عفت غیر حدی با کودک و نوجوان.

ماده ۱۵ به استفاده از کودک و نوجوان برای تهیه و تولید، توزیع، تکثیر، نمایش، فروش و نگهداری آثار سمعی و بصری مستهجن و مبتذل.

ماده ۱۶ به واردات و صادرات موضوعات و مضامین مستهجن یا مبتذل با موضوع کودک و نوجوان.

ماده ۱۷ به ارائه موضوعات و مضامین مستهجن و مبتذل به کودکان یا در دسترس آنها قرار دادن.

ماده ۲۳ به جرم انگاری برای افرادی که به افشای مشخصات یا هویت کودک و نوجوان بزه دیده یا در معرض خطر از طریق رسانه های گروهی و یا توزیع و تکثیر، انتشار و نمایش عکس، دست می زنند و در ماده ۲۴ به، بکارگیری کودک و نوجوان در ارتکاب جرم و آموزش دادن شیوه جرم، تحریک، ترغیب، تشویق یا فریب آنان به جرم، اشاره نموده است.

همچنین در ماده ۳۵ لایحه مزبور عنوان نموده اند که: « پس از اعلام تکلیف مددکاران اجتماعی و بهزیستی در خصوص وضعیت مخاطره آمیز کودک در تبصره مقرر می دارد که سؤالات و تحقیقات از کودک باید به موضوع مورد بررسی محدود شود و تدابیر و اقدامات کافی برای جلوگیری از انتشار و افشای اطلاعات اتخاذ گردد». فی الواقع در تبصره اشاره می کند که باید به قدر متیقن و محدود دخالت در حریم خصوصی کودک صورت گیرد. چه بسا که در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان به موضوع بهره کشی اقتصادی پرداخته شده است و بکارگیری غیرقانونی طفل و نوجوان و وارد کردن آن ها به کار یا خدمتی که از لحاظ جسمی، روانی اخلاقی و اجتماعی برای او خطرناک باشد قابل

مجازات است. این بهره‌کشی اقتصادی به نوعی با موضوع انتشار تصاویر کودکان و درآمدزایی که خانواده‌ها از این راه دارند همسو می‌باشد. مواد ۱۰ و ۱۹ در راستای عدم سوء استفاده جنسی از کودکان با ذکر مصادیق گوناگون آن و عدم افشای اطلاعات مرتبط با هویت کودک بزه دیده در رسانه‌ها و فضای مجازی مجدداً به این امر تأکید شده است که انعکاس این ماده را می‌توان در «لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان» در خصوص کودک بزه‌کار مشاهده نمود که در راستای حفظ حقوق و حریم کودک در ماده ۲۰ جلسه دادگاه را غیر علنی دانسته‌اند. همچنین در مواد ۲۱ و ۲۲ همین قانون با ممنوع دانستن جریان رسیدگی و یا افشای هویت و مشخصات کودک بزه‌کار به وسیله مطبوعات یا سایر رسانه‌های گروهی و انجام تحقیقات در خصوص وضعیت کودک بزه‌کار با رضایت متخصص و مددکار اجتماعی مجدداً به حفظ حریم خصوصی کودکان اشاره شده است.

همانطور که ملاحظه می‌کنید در قوانین داخلی کشورمان فی‌الباب حریم خصوصی کودکان در جایی که عنصر قانونی و یا قانونگذار حاضر باشند، دست به قانون نویسی زده‌اند و در هیچ یک از اسناد و قوانین میزان حریم خصوصی کودکان و گستره حق والدین جهت ورود به این محیط را معین ننموده‌اند. شاید در توجیه این موضوع بتوان گفت قانونگذار میزان حریم خصوصی کودکان را به فرهنگ خانواده‌ها محول نموده است که این امر در جامعه امروز ما که کودکان بیش از هر زمانی در معرض آسیب قرار دارند و متأسفانه بسیاری از این آسیب‌ها از سوی محیط خانواده به آنها وارد می‌شود، تنها بیانگر غفلت قانونگذار در این زمینه است. لذا قانونگذار با ارائه تعریفی جامع و مانع از اغیار برای حریم خصوصی کودک، می‌تواند در برابر واضح‌ترین این تعرضات؛ افشا و به اشتراک گذاری عکس کودکان در فضای مجازی حتی توسط خانواده کودکان بایستد و از بسیاری از اعمال نادرستی که به صرف تربیت کودک صورت می‌پذیرد جلوگیری نماید. عدم تعیین دقیق حریم خصوصی کودکان تنها باعث می‌شود که والدین در راستای اعمال حق ابویینی خود به طور گسترده‌ای در تمامی موضوعات و ابعاد زندگی کودکان خود دخالت کنند و حریم خصوصی آنها را نقض نمایند.

## ۲-۲- در کنوانسیون حقوق کودک

در اسناد بین‌المللی می‌توان دریافت که هر گونه حق آزادی به حکم قانون و یا ضرورت‌های یک جامعه دموکراتیک، می‌تواند در معرض تشریفات یا محدودیت واقع شود. این تشریفات و محدودیت‌ها می‌تواند «در راستای امنیت ملی، تمامیت ارضی، امنیت عمومی، هدف جلوگیری از بی‌نظمی یا

جنایت، حمایت از سلامت یا مسائل اخلاقی، حمایت از شهرت و اعتبار و دیگر حقوق سایرین باشد». (ملک محمدی، ۱۳۸۶، ۱۶۵-۱۶۴)

کمیته حقوق بشر در ماده ۱۷ میثاق خود اعلام نمود: «هیچ نوع مداخله ای در حریم دیگران مجاز نبوده مگر در موارد پیش بینی شده در قانون» لذا نه تنها حق را مطلق ننموده بلکه بنا بر زمان و مکان و وضعیت آن را قابل تحدید عنوان کرده است. (انصاری، ۱۳۸۷، ۳۹-۲۳)

حال در ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک آمده است:

«۱- در امور خصوصی، خانوادگی یا مکاتبات هیچ کودکی نمی توان خودسرانه یا غیر قانونی دخالت کرد یا هتک حرمت نمود.

۲- کودک در برابر این گونه دخالت ها یا هتک حرمت ها، مورد حمایت قانون قرار دارد».

ماده در برگیرنده حق همه کودکان در جهت برخورداری از حمایت های قانونی در مقابل، مداخلات خودسرانه و غیر قانونی در امور خصوصی و خانوادگی، خانه و مکاتبات وی و همچنین حمایت در برابر تعرض به عزت و آبروی او، می باشد. (پیوندی، ۱۳۹۰، ۳۴۲)

در این ماده دو فرض را می توان متصور گشت:

نخست: دخالت خودسرانه پدر و مادر و اعضای خانواده در امور خصوصی کودک منع شده است.

دوم: دخالت خودسرانه افراد بیگانه در امور خصوصی کودک محکوم شده است.

در مورد فرض نخست در اکثر کشورها، قانون نمی تواند حمایت از حریم خصوصی کودک را در برابر اعضای خانواده تضمین کند. دلیل این امر از جهت حرمت خانواده است که دخالت در آن، به معنای مداخله در رابطه با والدین و کودکان و محدود ساختن نقش سازنده و بسیار مهم والدین و به طور کلی بزرگسالان در رابطه با کودکان خواهد بود. به عبارت بهتر قائل شدن به این حریم را با تربیت او در تعارض می بینند.

البته باید دانست اطلاع پدر و مادر از امور خصوصی کودک به معنای مداخله آنان در حریم خصوصی کودک نیست؛ بلکه به معنای حمایت و حراست از کودکان در تصمیم گیری ها و عملکرد آنان است. زیرا کودکان غالباً به دلیل نداشتن استقلال و ناتوانی در تصمیم گیری نیاز به پشتیبانی



و دلسوزی دارند. البته که در مواقعی که کودک مورد رفتار خشونت آمیز و متعرضانه والدین یا یکی از آنها قرار گیرد باید با ساز و کارهای قانونی از او حمایت کرد و این امر را می توان در جهت حفظ بیشترین منافع کودک، ضروری دانست. همچنین در مورد فرض دوم حریم خصوصی کودکان باید از تعرض سایر افراد جامعه هم مصون بماند و دولت ساز و کار مناسب را در این زمینه، از طرق گوناگونی همچون تصویب قوانین مورد نیاز و فرهنگ سازی در جامعه به وسیله آموزش و اطلاع رسانی، فراهم سازد. همان گونه که اشاره شد برابر تفسیر ارائه شده توسط ماده ۱۷ میثاق حقوق بشر؛ حریم خصوصی مطلق نبوده و بنابر تغییرات زمان و مکان قابل تحدید است که می توان محدودیت های اعمال شده در ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک را ( غیرقانونی - خودسرانه) با تفسیر و کسب مفهوم مخالف این عناوین به گونه ای قابل تحدید دانست و امکان ورود به این فضا را فراهم ساخت:

۱- قانونی بودن دخالت: ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک ورود به حریم خصوصی کودک را به طور غیر قانونی منع کرده است. بنابراین نقض این حریم مطابق قانون را ممکن می دانند.

۲- خودسرانه نبودن دخالت: در ماده ۱۶ این قانون از اصطلاح «خودسرانه» استفاده شده است و مقصود از این واژه دخالت هایی است که علی رغم اشاره به آنها در قانون، مستبدانه محسوب می شوند. استفاده از این عبارت در کنوانسیون، قانونگذاران دولت ها را از نقض غیرضروری و مغایر با اهداف کنوانسیون منع می کند. البته لازم به ذکر است که در تبیین مفهوم «مداخله خودسرانه» دو ضابطه «معقول و منطقی» بودن مداخله تحت هر شرایطی مورد توجه مفسران این ماده قرار گرفته است. (اسدی، ۱۳۸۸، ۱۱) اما نکته ای که به ذهن می رسد در نظر گرفتن این دو ضابطه راه را برای اعمال سلیقه و تفاسیر متعدد باز می گذارد به همین جهت است که در تعیین حریم خصوصی و حفاظت از آن نیازمند تعریفی جامع و مانع از اغیار هستیم.

۳- انطباق مداخله با « منافع عالیله کودک»: در بند ۱ ماده ۳ همین کنوانسیون آمده است که: «در تمام اقدام های مربوط به کودک که توسط موسسات رفاه اجتماعی، عمومی یا خصوصی، دادگاه ها، مقام های اجرایی یا ارگان های حقوقی انجام می شود، منافع کودک از اهم ملاحظات می باشد». به منافع کودک در اصل ۲ اعلامیه حقوق کودک: «... در وضع قوانین بدین منظور منافع کودکان باید بالاترین اولویت را داشته باشد» هم اشاره شده است. در نتیجه با تحلیل این ماده می توان دریافت که در تعارض فی-مابین منافع عالیله کودک و مصالح جامعه و دیگران از قبیل والدین، اولویت با منافع کودک است.

البته در تشخیص منافع عالیه کودک، به تعیین معیارهایی غیر قابل انعطاف نیازمندیم؛ چرا که منافع عالیه کودک را باید با وضعیت و شخصیت او تفسیر نمود. فی‌الباب این موضوع آورده اند که: «دسته ای از عوامل را باید در تأمین منافع عالیه کودکان در نظر گرفت که این عوامل با توجه به وضعیت خاص هر کودک متغیر می باشد. اما همواره باید به نظرات کودک، خانواده او، فهم کودک از زمان، نیاز کودک به ادامه زندگی و حقوق انسانی وی توجه نمود». (ون بورن، ۱۳۷۸، ۲۷)

در اصل دوم اعلامیه حقوق کودک در راستای حفظ سلامت حریم خصوصی کودکان آمده است که «کودک باید از حمایت ویژه برخوردار شود و امکانات و وسایل ضروری جهت پرورش بدنی، فکری، اخلاقی و اجتماعی وی به نحوی سالم و طبیعی و در محیطی آزاد و محترم توسط قانون یا مراجع ذیربط در اختیار وی قرار گیرد». در این اصل وضع قوانین با توجه به منافع و مصالح عالیه کودک در زمره تکالیف دولت دانسته شده است. اصل ششم نیز به پرورش کودک در محیطی با امنیت اخلاقی تأکید کرده است. (امیر ارجمند، ۱۳۸۱، ۱۹۴)

متأسفانه کنوانسیون حقوق کودک در بسیاری از موارد با بیان چارچوب کلی اهداف خود، تدوین قوانین را به قانونگذاران داخلی کشورها واگذار کرده است که این امر در حریم خصوصی کودکان هم قابل مشاهده می باشد. کنوانسیون با بیان محورهای اصلی که عبارتند از:

۱- بند الف ماده ۱۷: «تشویق رسانه های گروهی به انتشار اطلاعات و مطالب دارای فایده اجتماعی و فرهنگی برای کودک و تشویق همکاری های بین المللی در جهت تولید، مبادله و انتشار این گونه اطلاعات».

۲- بند ج ماده ۱۷: «تشویق تولید و انتشار کتاب های کودک».

۳- بند هـ ماده ۱۷: «تشویق توسعه خط مشی های مناسب در جهت حمایت از کودک در برابر اطلاعات و مطالبی که به سعادت وی آسیب می رساند».

۴- بند ۱ ماده ۲۷: «تکلیف به برخوردار نمودن کودک از استاندارد مناسب زندگی برای توسعه اخلاقی و اجتماعی و روحی».

۵- ماده ۳۴: «جلوگیری از تشویق یا وادار کردن کودکان برای درگیری در فعالیت های جنسی و استفاده استثماری از آنان در فاحشه گری و سایر اعمال غیر قانونی جنسی و اعمال مطالب

مستهلک و رکیک» قانونگذاری صحیح، در جهت حفظ امنیت اخلاقی، معنوی و جسمی کودک در حریم خصوصی اش را به تدوین گران قانون در داخل هر کشور محول نموده است.

در انتها می توان این چنین جمع بندی نمود که به استناد ماده ۹ قانون مدنی: «مقررات و عهودی که طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد، در حکم قانون است» و انعکاس همین ماده در اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی ایران، کشورمان که در سال ۱۳۷۳ به کنوانسیون حقوق کودک ملحق گردید باید طبق ماده ۱۶ این کنوانسیون به حریم خصوصی کودکان توجه کند، این امر را به والدین بشناساند و پیروی از ماده ۱۶ کنوانسیون در نتیجه مواد ۹ قانون مدنی و اصل ۷۷ قانون اساسی برای دادگاه های ایران لازم الإبتاع باشد. اما متأسفانه همان گونه که بیان شد در قوانین ما تنها مصادیق این حق عنوان شده است و تعریفی جامع که بتوان محدوده این حق را با آن شناسایی نمود و همچنین، مانع که نتوان امور نا مرتبط را در آن دخیل نمود، وجود ندارد.

حال ممکن است که این سؤال پیش آید که عدم امکان ورود به این حق، تربیت کودک را مختل نمی کند؟ که در پاسخ به این موضوع می توان پاسخ منفی داد. تربیت کودک هیچ ملازمه ای با حفظ حریم خصوصی او ندارد قائل شدن حریم خصوصی برای کودک صرفاً به دلیل مصون نگه داشتن او از آسیب هایی است که جسم و روح او را در وضعیت مخاطره آمیز قرار می دهد و همان گونه که حریم خصوصی حق کودک است، تربیت او هم در زمره این حقوق قرار می گیرد که در مقابل آن برای والدین تکلیف ایجاد می گردد. واژه تربیت بر پرورش دادن استعداد های انسانی (مطهری، ۱۳۶۲، ۴۲) یعنی فراهم کردن زمینه رشد استعداد های آدمی دلالت می کند. تعریف دیگر این واژه، تربیت را مهارت زیستن در اجتماع می داند و یا شاید بتوان گفت تربیت ایجاد دگرگونی های مطلوب در تن و روان می باشد که مهم ترین مسئولیت و تکلیف پدر و مادر در قبال فرزندان است. (پیوندی، ۱۳۹۰، ۳۴۷)

در قوانین داخلی فی الباب بحث تربیت کودکان قانونگذار در ذیل ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی، زوجین را مکلف به معاضدت در تربیت اولاد نموده است. همچنین در ماده ۱۱۶۸ نگهداری اطفال را تکلیف و حق ابویین می داند و در ماده ۱۱۷۳ همین قانون به مخاطره افتادن تربیت طفل در اثر عدم مراقبت و انحطاط اخلاقی یکی از ابویین را از موارد سالب حق حضانت معرفی نموده است. لذا قانونگذار در ماده ۱۱۷۹ در راستای جواز اعطا شده توسط فقها برای تنبیه بدنی کودکان در حد متعارفی که مستوجب دیه نباشد؛ حق تنبیه کودکان در راستای تربیت آنها به والدین داده است،

اما باز هم غفلت قانونگذار در این مورد دیده می شود. چه بسا که عدم تعیین حد متعارف، تعریف این واژه را از منطقه ای به منطقه دیگر متفاوت ساخته و راه را برای اعمال سلیقه باز می-گذارد. اهمیت ارائه تعریف دقیق حق بر حریم خصوصی در کودکان در راستای مقابله در برابر این دسته از سوء استفاده های موجود است.

موضوع تربیت در بند ۲ ماده ۱۴ کنوانسیون، احترام به حقوق و وظایف والدین و سایر سرپرستان قانونی کودک در هدایت کودک در جهت اعمال حقوق وی به صورتی که باعث اعتلای استعدادها و توانایی های کودک شود توسط دولت های عضو، ضروری دانسته شده است. همچنین در ماده ۱۸ کنوانسیون پذیرفته است که مسئولیت عمده در رشد و پیشرفت کودک بر عهده والدین یا قیم کودک است و اساسی ترین مسئله برای آنها حفظ منافع عالیله کودک می باشد. در ماده ۱۹ کنوانسیون مزبور که هدف اصلی کنوانسیون حقوق کودک را به صراحت بیان کرده است، تأکید بر اصلاح و تصویب قوانین در کشورها به نحوی است که اعمال خشونت بار به هیچ میزان درباره کودکان اعمال نشود. همچنین در کمیته حقوق کودک تنبیه بدنی در خانه، مدرسه و یا نظام قضایی را مغایر با هدف کنوانسیون دانسته اند.

#### (Implementation for the convention on the Rights of the Child, 257)

اما کشورهای عضو در راستای اعطای حق و مجوز جهت تنبیه کودکان در معقوله تربیت قوانین مختص خود را تصویب نموده اند. برای مثال کشور اسپانیا در ماده ۱۵۴ قانون مدنی خود با بیان «والدین می توانند کودکان خود را به طور معقول و با ملایمت تنبیه کنند» به والدین حق تنبیه داده است و یا در کشور انگلستان از مفهوم "تنبیه منطقی" یاد شده است و عنوان نموده اند که ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک باید در کنار ماده ۵ این کنوانسیون تحلیل شود که در آن دولت تعهد می کند به مسئولیت های والدین برای تدارک و ارشاد مناسب، در راستای برخورداری کودک از حقوق شناخته شده در کنوانسیون حاضر، احترام بگذارد. در مقابل کمیته حقوق کودک استفاده از واژه های "تنبیه بدنی معقول و منطقی" را مورد انتقاد قرار داده است و ذکر این واژه ها را تنها زمینه ای برای ایجاد سوء استفاده تلقی می کند.

در نتیجه مواد فوق و تمام آنچه که بیان شد بحث تربیت کودکان امری مهم و حساس می باشد و در کنوانسیون حقوق کودک هم به این امر در ذیل بند ۱ ماده ۱۸ در قالب عبارت «... اساسی ترین مسئله آنان حفظ منافع اساسی کودک است» اشاره شده است و همانطور که استنباط می شود بحث تربیت کودک ملازمه ای با حریم خصوصی او ندارد و می توان دریافت که احترام به حریم

خصوصی کودک و حفظ کرامت انسانی کودکان و سفارشات صورت گرفته در جهت حفظ این حریم تعارضی با حق بر تربیت کودک ندارد و در صورت بروز تعارض فی مابین این دو حق حفظ منافع عالیه کودک ایجاب می کند که تربیت در وهله نخست قرار گیرد.

در بحث حفظ حریم خصوصی به طور تمثیلی می توانیم به عکس های منتشره از کودکان در رسانه ها و فضای مجازی اشاره کنیم که در دسته های گوناگونی نمود دارند. آشکارترین آنها عکس کودکانی است که توسط والدینشان در فضای مجازی بدون کسب اجازه از کودک در معرض نمایش عموم قرار می گیرد و در مواردی والدین از این طریق به کسب درآمد می پردازند که پرداختن به این امر در این مقال نمی گنجد. دسته ای دیگر از کودکان که در برابر این تعرض و نقض حریم قرار دارند و عکس آنها بدون اجازه و با اثرات سوء منشر می شود کودکان کار و خیابانی هستند. کودکانی که به ناچار باید فعالیت های خود را در فضای عمومی جامعه اجرا کنند و بیشتر ساعات کاری خود را در خیابان می گذرانند در مواردی نقض حریم خصوصی را تجربه می کنند و در بسیاری از موارد به شدت در معرض نقض ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک قرار می گیرند. (محبعلی و همکاران، ۱۳۹۸، ۶۳۵) چرا که در خیابان علاوه بر آن که حریم خصوصی این دسته از کودکان از منظر تمامیت جسمانی مورد نقض و تعرض قرار می گیرد، در بسیاری از موارد شاهد عکس های منتشره از این دسته از کودکان در رسانه ها هستیم که با انتشار این عکس ها به نوعی «عمل بر چسب زنی» به وقوع می پیوندد؛ عموماً این کودکان امید به بهبود وضعیت زندگی خود در بزرگسالی دارند اما با انتشار عکس هایشان از سوی آحاد جامعه عموماً دچار حس سرخوردگی می شوند و شرافت و اعتبار خود را از دست داده می بینند و می پندارند که، عنوان کودک کار و وضعیت زندگی سابق خود را در همه زمان ها باید به دنبال خود بکشند. در حالی که عکس برداری و انتشار عکس ها از این کودکان آن هم بدون اجازه تنها تعرض آشکار به حریم خصوصی آن ها است.

تمامی موارد یاد شده را می توان به دلیل نقایص قانونی دانست چرا که سیر تصویب قوانین در کشور گاهی آن قدر طولانی می شود که موضوعات جدید را در بر نمی گیرد و در حال حاضر با وجود تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نیازمند بررسی و بازنگری مجدد در مورد همین امر در این قانون هستیم. لذا قانونگذار می تواند با ارائه تعریف دقیق از حریم خصوصی کودکان، جرم انگاری علیه متعرضان به حریم خصوصی کودکان و وضع جرایم سنگین علیه خاطیان تا حد بسیار زیادی از جرایم علیه کودکان و کودک آزاری بکاهد.

## نتیجه گیری

حریم خصوصی افراد که در زمره حقوق طبیعی آنها می باشد و در کنوانسیون حقوق کودک هم به آن اشاره است، متأسفانه در حقوق موضوعه ایران فاقد تعریف معین و منطقی است و قانونگذار در موارد محدودی تنها به ذکر مصادیقی از این عنوان بسنده کرده است.

در کنوانسیون حقوق کودک امور خصوصی، خانوادگی یا مکاتبات او در مقابل والدین و اشخاص ثالث مورد حمایت قرار می گیرد و افراد یاد شده از دخالت خودسرانه و غیر قانونی در امور مذکور ممنوع هستند. با اندکی تأمل در مفهوم مخالف این ماده می توان چنین دریافت که دخالت غیر خودسرانه و قانونی در امور کودک مانعی ندارد که این امر سوال پیش آمده در راستای تعارض میان حفظ حریم خصوصی کودک و تربیت او را به راحتی پاسخ می دهد. چه بسا که در کنار مفاهیم غیر خودسرانه و قانونی می-توان از لفظ مطروحه در ذیل بند ۱ ماده ۳ همین کنوانسیون تمسک جست و تربیت کودک را در زمره منافع عالیه کودک محسوب نمود، که در این حالت تربیت در مقام بالاتر و ارجح نسبت به سایر حقوق کودک قرار می گیرد.

در قوانین داخلی در ماده ۹ قانون مدنی به عبارت « مقررات و عهودی که طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد، در حکم قانون است» اشاره شده است که انعکاس همین ماده در اصل ۷۷ قانون اساسی هم نمود دارد، در نتیجه ایران که در سال ۱۳۷۳ به کنوانسیون مزبور ملحق گردید ملزم به رعایت ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک در راستای حفظ حریم خصوصی کودکان بوده و پیروی از این قاعده برای دادگاه های ایران لازم الإلتیاع می باشد. اما همان گونه که پیشتر اشاره شد قانونگذار در داخل کشور تنها با ذکر مصادیقی از حریم خصوصی کودکان، آن را محدود به حضور عنصر قانونی و محکمه نموده است و فقدان این تعریف عواقب سوء بسیاری را به همراه دارد و زمینه ارتکاب بزه و کودک آزاری را فراهم نموده است که آشکار ترین آنها به طور تمثیلی انتشار عکس کودکان بدون اذن و رعایت حریم خصوصی آنها می باشد که نتیجه ای به جز برچسب زنی و از بین رفتن شرافت، اعتبار و کرامت انسانی کودکان نداشته است.

راه کار مبارزه با عواقب سوء این امر در وهله نخست آن است که قانونگذار قوانین را مطابق نیاز های روز جامعه تدوین و تصویب کند و از اطاله در امر تصویب بپرهیزد سپس با ارائه تعریف حریم خصوصی در نوع اخص آن که مختص کودکان باشد، به وضع ضمانت اجرا علیه متعرضین به این فضا پرداخته و در راستای جرایم ارتكابی علیه کودکان گام های مؤثری بردارد.

## منابع

- ۱- اسدی، لیلا سادات، (۱۳۸۶)، بررسی مفهوم کودک با رویکردی به حوزه کیفر، فصلنامه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام، سال دوازدهم، شماره ۴۵ و ۴۶.
- ۲- اسدی، لیلا سادات، (۱۳۸۸)، حریم خصوصی کودک و حق والدین بر تربیت، مجله فقه و حقوق خانواده، سال سیزدهم، شماره ۵۰.
- ۳- امیر ارجمند، اردشیر، (۱۳۸۱)، مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۴- انصاری، باقر، (۱۳۸۷)، آزادی اطلاعات، تهران، نشر دادگستر.
- ۵- پیوندی، غلامرضا، (۱۳۹۰)، حقوق کودک، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۶- حجتی، سید مهدی، (۱۳۹۸)، تعریف حریم خصوصی یکبار برای همیشه، روزنامه ایران مورخ ۱۱ تیر ماه.
- ۷- کری، پیتر، ساندرز، جو، ترجمه ملک محمدی، حمیدرضا، (۱۳۸۶)، حقوق رسانه، تهران، نشر میزان.
- ۸- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۲)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات الزهرا سلام الله علیها.
- ۹- موسوی بجنوردی، محمد، (۱۳۸۲)، بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی و قوانین ایران برای بهره برداری از حقوق مربوطه، مجله متین، شماره ۲۱.
- ۱۰- محبعلی، امیرحسین، مهیمنی، مریم، سرائی، زهره، (۱۳۹۸)، تفسیر حقوق کودک در آئینه نظریه های کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد، تهران، نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
- ۱۱- ون بورن، جرالدين، (۱۳۷۸)، ایران و معیارهای بین المللی دادرسی نوجوانان، تهران، نشر صندوق کودکان سازمان ملل متحد.

---

12- Brown lie, Ian, S.Goodwin-gill, Guy, (2006), Basic documents on Human Rights, New York, Oxford University Press, Fifth edition.

13- Convention on the Rights of the Child, (1990).

14- European Convention on Human Rights, (1950).

15- Mow bray, Alastair, (2007), European Convention on Human Rights, New York, Oxford University Press, Second edition.

16- Universal Declaration of Human Rights, Adopted 10 december, (1948).





---

**The right of children to privacy in  
Iranian case law and the Convention on the Rights of the Child**

Mahrooyeh Shoja Sangchooly<sup>1</sup>

**Abstract**

The privacy of individuals, which is the privacy that is expected to be respected by law and order and to be protected from the intrusion of other individuals, is enshrined in Article 16 of the Convention on the Rights of the Child. This article has two groups of people; Prohibits parents and strangers from interfering with the child's privacy by stating that it is not possible to interfere arbitrarily or illegally. There is no specific definition of privacy in the domestic law of our country and the constitution only mentions some examples of it and in the approvals of children's rights, The legislature has considered instances of children's privacy only where a legal element is involved, and has not set any limits on the extent to which parents's influence in this space. Some people believe that giving privacy to children makes it difficult for them to be educated. In response, we can refer to the word "protection of the best interests" of the child under Article 3 and place education in the category of "higher interests of the child". As a result, where a child's privacy is at odds with his or her upbringing, upbringing is preferred and it is not necessary to observe the privacy of the manager and it is possible to enter this environment without legal prohibition. By providing a comprehensive definition of children's privacy and criminalizing those who violate it, the legislature can even stand up to the obvious attacks that occur because of the disappearance of this personal framework.

**keywords:** Children, Privacy, Convention on the Rights of the Child, Education and Punishment.

---

<sup>1</sup> Master student of private law, Faculty of Law, Islamic Azad University, Karaj Branch.  
(Corresponding Author)  
sangchooly.mahrooyeh@gmail.com